طلایه‌داران محراب و منبر/ ۱۵

خطیبی توانا و مجاهدی تأثیرگذار در پیروزی انقلاب

روایتی از زندگی و مبارزات انقلابی شهید سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد

اشاره: سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد یکی از خطیبان و عالمان تاثیرگذار در پیروزی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود که برای روشن نگه داشتن، مشعل بیداری و مقاومت در جامعه، آثار بی‌بدیلی خلق کرد و به مبارزه سیاسی با رژیم پهلوی پرداخت به‌گونه‌ای که حتی جان خود را در این راه فدا کرد. نوشتار پیش رو مروری کوتاه به حیات پربار سیاست‌مدار مبارز و خطیب مجاهدی است که در دفاع از حق و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام جانش را فدا کرد.

• تولد و تحصیل

فاضل جوانمرد، شهید سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد رحمه‌الله فرزند سیدحسن، در سال ۱۳۱۱ شمسی در شهرستان بهشهر استان مازندران و در میان خانواده مذهبی دیده به جهان گشود.

• آغاز کسب علوم و معارف

شهید سیدعبدالکریم هاشمی‌نژاد، مقدمات علوم دینی را در روستای کوهستان بهشهر و در نزد عالم ربانی آیت‌الله شیخ محمد کوهستانی فرا گرفت و آن‌گاه جهت ادامه تحصیل و تکمیل معلومات به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد و زانوی علم و ادب در نزد بزرگانی چون آیات عظام سیدحسین طباطبایی بروجردی رحمه‌الله و امام خمینی رحمه‌الله بر زمین زد و از خرمن دانش گسترده آنان بهره‌مند گردید و در سن ۲۷ سالگی به درجه عالی اجتهاد نایل گردید. وی بعد از استوار نمودن مبانی علوم دینی به مشهد مهاجرت نموده و مشغول تدریس و تبلیغ شد. و بعدها از مدرسان ممتاز و یکی از طلایه‌داران محراب و منبر و مبارزه با حکومت ستم‌شاهی طاغوت گردید.

• خصوصیات و کمالات

۱. ویژگی‌های منابر

به‌طور قطع و یقین شهید هاشمی‌نژاد، یکی از وعاظ و خطبای معروف و ممتاز کشور بود و از طریق بیان، خدمات ارزشمندی را به اسلام و آگاهی مردم متدین و مسلمان نموده است. برخی از ویژگی‌های آن بزرگوار از زبان دوستان و همرزمان و شاگردان وی عبارت است:

الف: پرشور بودن سخنرانی

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی: ... دوران دیگری که ما با ایشان بودیم، در یک سفر تبلیغی بود که در ماه مبارک رمضان در ساوه با هم در یک‌جا به تبلیغات اسلامی مشغول بودیم و من در این یک ماه همه آنچه که از ایشان دیدم، از نظر تبلیغات خوب، دلسوزانه و توأم با تحلیل خوب مسائل روز بود که این هم، برای ما فراموش‌شدنی نیست. ایشان قبل از انقلاب در قم سخنرانی پرشوری داشتند که البته خودم شخصاً در آن جلسه شرکت نداشتم؛ ولی آوازه سخنرانی‌های‌شان چه در قم چه در مشهد و چه در تهران و... بود و شاید کمتر کسی بود که در مسیر انقلاب قرار داشته باشد و از سخنرانی‌های پرشور و مؤثر ایشان مخصوصاً نسل جوان خبر نداشته باشد. من معتقدم یکی از کسانی که در پیشرفت انقلاب در مناطق مختلف کشور اثرگذاشت، ایشان و سخنرانی‌های ایشان بود.

آقای مسیح مهاجری درباره ویژگی منابر شهید هاشمی‌نژاد می‌گوید: ایشان خیلی آتشین سخنرانی می‌کرد که در آن زمان این سخنرانی خود یک امتیازی بود؛ چون فضای مجلس را داغ و انقلابی می‌کرد که این خود، از لوازم انقلاب بود؛ البته سخنرانی آتشین ایشان، هم عمیق بود و هم جاذبه داشت. صحبت کردن ایشان ذاتاً پرحرارت و انقلابی بود و هرجا سخنرانی می‌کرد، مردم را جذب می‌کرد.

ب: سخنرانی عمیق و جذاب

آقای مسیح مهاجری در این باره می‌گوید: از ویژگی‌های سخنرانی آقای هاشمی نژاد، این بود که اولاً بسیار خوش‌بیان بود. مطالب را آن‌گونه که ضرورت داشت، به ذهن مخاطب می‌رساند و به‌عبارت دیگر بلاغت خاصی داشت. ثانیاً سخنان ایشان سطحی نبود و خواب و خیال و دروغ، سرهم کردن، عوام‌زدگی و از این نوع آفات مبرا بود. واقعا آدم باسوادی بود. مطالعات و تحقیقات و تألیفات زیادی داشت و سخنان ایشان عمیق، مستدل و محققانه بود. خصوصاً در کانون بحث و انتقاد دینی که شرکت‌کنندگان آن اهل فکر و تحقیق بودند.

سیدعلی مجتبوی در این‌باره می‌گوید: منبرهای شهید هاشمی‌نژاد مثل کتاب دکتر و پیر به‌گونه‌ای بود که برای نسل جوان جاذبه عجیبی داشت. طیف جوان پای منبر ایشان می‌رفت. ایشان علوم جدید را چاشنی سخنان دینی می‌کردند و به‌عبارت دیگر به زبان دانشگاهی صحبت می‌کردند.

علی اکبر الهی خراسانی در این‌باره می‌گوید: در منبر سعی می‌کردند، روشنگری کنند؛ یعنی آموزش بدهند و تعلیم بدهند و تربیت بکنند. از مطالب تصنعی و تکرار مکررات و خطابه محض پرهیز داشتند و لذا هر کس پای منبر ایشان می‌نشست، وقتی که از مجلس بیرون می‌آمد، احساس می‌کرد که با دست پر بیرون آمده و آموزش دیده و سطح آگاهی‌های دینی و معرفتش بالا رفته است. همیشه مسائل روز و مورد ابتلای جامعه را بیان می‌کردند؛ لذا منبرشان جالب و جذاب بود.

ج: نیاز مبرم

همسر مکرمه ایشان در این‌باره می‌گوید: گاهی می‌گفتم روزهای جمعه را در خانه پیش بچه‌ها بمانید! چرا برای سخنرانی به اطراف خراسان می‌روید؟ به من گفتند: اگر با این همه نیاز که به ماها هست، من نروم، شما حاضرید در روز قیامت این نرفتن‌های مرا جواب‌گو باشید؟ طبعاً من حرفی برای گفتن نداشتم؛ زیرا اگر او احساس مسئولیت الهی می‌کرد، می‌بایست بیش از توان یک فرد کار کند. گاهی مدت‌ها می‌گذشت که خواب او از چند ساعت در شب تجاوز نمی‌کرد. شدیداً خسته می‌شد؛ اما اگر واقعاً با تمام میل می‌بایست آن کارها را انجام دهد، چگونه می‌توانستم راه را بر او سد کنم و در قیامت جواب‌گو باشم؟ این برای من درس بزرگی بود.

د: سخنرانی‌های اعتقادی

احمد توکلی در این‌باره می‌گوید: او درباره جوانان بسیار حساس بود. سخنرانی‌هایشان معمولاً مباحث اعتقادی غیرمستقیم سیاسی بودند. مثلاً یک شب راجع به اسرائیل صحبت کردند و حرف‌های داغی زدند که در آن زمان فقط از سوی علمای شجاعی مثل ایشان رایج بود؛ چون رژیم درباره تبلیغ علیه اسرائیل بسیار حساس بود. فضا خیلی اختناق بود و وقتی کسی راجع به اسرائیل صحبت می‌کرد، معنی‌اش این بود که خیلی سیاسی است. رژیم از حمله به مارکسیم خوشش می‌آمد؛ ولی از حمله به سرمایه‌داری خوشش نمی‌آمد؛ بنابراین سخنرانی‌هایی چون صحبت‌های شهید هاشمی‌نژاد برای جوان‌هایی که تمایلات مذهبی داشتند، جاذبه داشت.

هـ: سخنرانی‌های پرشور در شهرستان‌ها

شهید هاشمی‌نژاد مسافرت‌های تبلیغی فراوانی به شمال، اصفهان، فارس، تهران، همدان، کرمانشاه، قم و... داشته است که برخی از مجالس سخنرانی وی، به‌وسیله ساواک تعطیل و خودش به‌علت سخنرانی‌های تند علیه رژیم پهلوی دستگیر می‌شده است.

سیده فاطمه هاشمی‌نژاد در این‌باره می‌گوید: پدرم هر سال ده‌شب در اصفهان و در منزل آقای مقدم منبر داشتند. در سال ۱۳۵۱ با پدرم طبق روال هرساله جهت سخنرانی به اصفهان رفتیم و در این فاصله ساواک، بارها زنگ زده و تهدید کرده بود. شب آخر بعد از اتمام منبر، ما از اصفهان به شیراز رفتیم و در هتل سکونت داشته و بعد بیرون رفتیم و کمی گشتیم؛ ولی به محض اینکه به هتل رسیدیم، آمدند و پدرم را دستگیر کردند و بردند. بعد ما را با پدرمان به اصفهان آوردند و ایشان را زندانی کردند و ما را راهی مشهد کردند.

سیدمرتضی سادات فاطمی در این‌باره می‌گوید: من از نوجوانی تا هنگام شهادت ایشان، قاری قرآن بوده و در تمام مجالس آن شهید بزرگوار چه در مشهد در چه در شهرهای دیگر، قبل از ایشان تلاوت قرآن می‌کردم و بعد ایشان منبر می‌رفتند. یک سالی به من فرمود: سیدمرتضی من در کرمانشاه منبر دارم و قبل از آن در بهشهر باید منبر بروم. آیا با من به کرمانشاه می‌آیی؟ من گفتم: من در خدمت شما هستم؛ لذا با اجازه خانواده به‌همراه ایشان حرکت کردیم. ابتدا به قوچان و بعد بهشهر رسیدیم. ایشان پنج‌شب در مسجد جامع بهشهر سخنرانی کردند و من قبل از منابر پرشور و حرارت ایشان تلاوت قرآن کردم. جمعیت فراوانی جهت استماع سخنان ایشان آمده بودند. آن‌گاه به تهران و کرج و همدان رفتیم. در تهران به دیدار آقای فلسفی واعظ رفتیم و شهید هاشمی‌نژاد پیرامون انقلاب و مسائل مرتبط با آن بحث کردند و طبق وعده مقرر به کرمانشاه رسیدیم. در کرمانشاه کشاورزی متمکن و در عین حال مذهبی و معتقد و مبارزی بود که یک طبقه از ساختمان مسکونی خود را برای اقامت در اختیار ایشان گذاشت و پذیرایی مفصل از ما به‌عمل آورد. منبرهای شهید هاشمی‌نژاد شروع شد. قرار بود که شهید ۱۲ شب در کرمانشاه منبر بروند. جمعیت فوق‌العاده‌ای پای منبر ایشان جمع می‌شدند. ساواک چون می‌دید، مباحث ایشان آرام آرام داغ‌تر و کار به جاهای باریک کشیده می‌شود، وحشت کرد و در شب نهم مجلس ایشان را تعطیل کرد و ما به‌ناچار به مشهد برگشتیم. مهم‌ترین ویژگی شهید هاشمی‌نژاد که باعث جذب مردم و جوانان می‌شد، این بود که حرفشان با عملشان یکی بود.

و: مسجد فیل مشهد

مسجد فیل از مساجد مهم تاریخی است که در پایین خیابان مشهد مقدس واقع شده است. این مسجد محل اقامه نماز جماعت و یادآور منابر پرحرارت، عمیق، صریح و شجاعانه شهید هاشمی‌نژاد بود. به‌اعتراف همه مبارزان انقلابی، وی با جسارت و توان علمی زیاد خود توانسته بود، مسائل سیاسی و اجتماعی کشور را در قالب انتقادات قانونی به رژیم طاغوت منعکس کند و در این راه هیچ‌گاه بازداشت‌های مکرر ساواک مانع از مبارزه مستمر او نشد.

حادثه مسجد فیل از جمله مهم‌ترین حوادث انقلابی اسلامی در مشهد است که پس از قیام پانزده خرداد به وقوع پیوست. این حادثه زمانی رخ داد که شهید هاشمی‌نژاد، به دعوت صنف پوست‌فروشان و افراد فعال مذهبی و انقلابی برای ایراد سخنرانی به مسجد دعوت شده بود. حدود شش تا هفت هزار نفر جمعیت برای استماع سخنرانی او به مسجد آمده بودند. او با تشریح لوایح شش‌گانه انجمن‌های ایالتی و ولایتی از بازداشت امام و سایر علمای بزرگ پس از قیام پانزده خرداد و وجود اختناق و عدم وجود آزادی در کشور، به‌شدت انتقاد کرد. ساواک برای دستگیری وی و متفرق کردن مردم دست به‌کار شد و خواست شهید هاشمی‌نژاد را دستگیر نماید؛ ولی مردم مسلمان مانع دستگیری وی شدند. در نتیجه بین مردم و نیروهای انتظامی درگیری و زد و خورد پیش آمد. مأموران حکومتی به سوی مردم بی‌دفاع تیراندازی کردند که تعدادی از مردم مسلمان شهید و مجروح شدند و شهید هاشمی‌نژاد دستگیر و روانه زندان گردید. جنایات ساواک علاوه بر شهید و مجروح کردن تعدادی از مردم متدین مشهد، از تحویل دادن جنازه شهدا و دفن آن‌ها خودداری کرد و علما و مراجع مشهد، با صدور اعلامیه و بیانیه‌های مهمی در محکومیت این جنایات صادر کردند و مردم متدین مشهد به‌منظور هم‌بستگی با امام و مراجع و اعتراض به جنایات رژیم به‌ویژه حادثه خونین و مسجد فیل اقدام به تعطیلی بازار کردند.

ز: سخنرانی از مشهد تا تهران

شهید هاشمی‌نژاد از یاران وفادار امام بودند و در آستانه ورود امام به ایران، از مشهد حرکت کردند و در تمام شهرهای مسیر مشهد تا تهران سخنرانی پرشوری ایراد کردند و مردم شهرها را برای حمایت از امام و انقلاب اسلامی تحریک و تهییج نمودند.

• کانون بحث و انتقاد دینی مشهد

در سال‌های پیش از انقلاب، تشکل دینی تحت عنوان کانون بحث و انتقاد دینی توسط یکی از علمای مشهد ایجاد گردید. از آن‌جایی که آن عالم دینی با شهید هاشمی‌نژاد نسبت سببی داشت، از وی برای سخنرانی و پاسخ‌گویی به سؤالات دینی و اعتقادی مردم به‌خصوص جوانان دعوت به‌عمل آوردند. شهید هاشمی‌نژاد علاوه بر سخنرانی‌های پرشور و انقلابی در محافل عمومی، در این کانون نیز، بحث و انتقاد دینی برای اقشار تحصیل‌کرده، فرهنگی و دانشگاهی روشن‌فکر جلسات سخنرانی علمی داشتند و از آن‌جایی که از نویسندگان توانا و دارای معلومات وسیع و عمیق بودند، افراد زیادی جذب کانون دینی شده و از محضر ایشان بهره‌مند شدند.

محمدرضا ترقی در این‌باره می‌گوید: شهید هاشمی‌نژاد ید طولائی در بحث مناظره و پاسخ‌گویی به سؤالات و رفع شبهات در نسل جوان داشت. صحبت‌های ایشان مطابق با نیاز زمان بود. همه این موارد از ویژگی‌هایی بود که مردم را به سخنرانی او جذب می‌کرد و صحبت‌های ایشان باعث می‌شد تا به بخش قابل توجهی از این ابهامات، سؤالات و تردیدهای آن پاسخ داده می‌شد. او در برابر جریانات انحرافی چون کوه می‌ایستاد.

سید علی‌اصغر مجتبوی در این‌باره می‌گوید: کانون بحث و انتقاد دینی در صبح‌های جمعه در مرکز شهر در فلکه صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تشکیل می‌شد و جوان‌ها جمع می‌شدند و ایشان هم به سؤالات شفاهی و کتبی آنها جواب می‌داد. وقتی متوجه شد که آقای ابطهی، با مهندس سالور که در دستگاه طاغوت در ارتباط است، پا پس کشید و مکان دیگری را برای مناظره انتخاب کرد و بعد از رفتن شهید هاشمی‌نژاد کانون بحث و انتقاد دینی آقای ابطحی از رونق افتاد. به‌نظر من آنچه که موجب جاذبه شهید هاشمی‌نژاد شده بود، تواضع ایشان بود که با آغوش باز به استقبال جوانان و سؤالات آنها می‌رفتند.

سیدمرتضی سادات فاطمی در این‌باره می‌گوید: کانون بحث و انتقاد دینی در واقع پل ارتباطی بین جوانان و شهید هاشمی‌نژاد بود. شهید هاشمی‌نژاد چند ویژگی داشت که باعث جذب جوانان شده بود:

۱. حرف و عملش یکی بود. ۲. سواد و آگاهی بسیار بالایی داشت و جواب‌گوی شبهات جوانان و نوجوانان بود. ۳. جواب منطقی و قانع‌کننده به سؤالات و شبهات جوانان می‌داد و در این زمینه واقعاً کم‌نظیر بود. ۴. شجاعت و نترس بود و از ساواک هراسی داشت. ۵. با روی گشاده و باز با جوانان برخورد می‌کرد.

• سخنرانی در مجمع هفتگی جوانان

آقای محمود لولاچیان می‌گوید: ما سال‌ها بود که جلساتی در شب‌های دوشنبه با محوریت قرآن و احکام در تهران داشتیم که از زمان حضور آقای هاشمی‌نژاد سبک جلسه هم تغییر کرد و از آن حالت سنتی بیرون آمد و به سوی مسائل جوانان رفت. ابتدا بیشتر افراد شرکت‌کننده در جلسات افرادی مسن بودند و در همان جلسات مطرح شد که چرا جوانان نمی‌آیند. آن جلسه تعطیل شد و نامش نیز به مجمع هفتگی جوانان تغییر کرد. در این مجمع بزرگانی چون شهید مطهری، آیت‌الله ضیاءآبادی و شهید هاشمی‌نژاد می‌آمدند و مباحث عقیدتی سیاسی مطرح می‌شد. از محضر شهید هاشمی‌نژاد دعوت کردیم که در این جلسات ما را مستفیض بفرمایند. این جلسه هفتگی بود؛ اما در ماه مبارک رمضان تمام شب‌ها این مجلس دایر بود و عده زیادی از جوانان که حتی از نظر ظاهری وضع خاصی هم داشتند، فریفته صحبت‌ها و بیان آتشین ایشان می‌شدند و استفاده‌هایی هم می‌بردند. در سال ۱۳۴۲ شمسی که مصادف با قیام حضرت امام رحمه‌الله شد. ایشان به‌شدت افشاگری کردند که موجب دستگیری ایشان و تعطیلی جلسات ما شد. ایشان براساس تحقیقات، بحث روز را مطرح می‌کردند. تفسیر قرآن و دنیای اسلام و مسأله فلسطین را خیلی عمیق و منحصربه‌فرد وارد می‌شد. ایشان را می‌توان یک روشن‌گر متدین نام نهاد که براساس روایات و نظر امام حرکت می‌کرد و جوانان را جذب می‌کرد.

• مناظره با مروج اخبارگری

محمد عبداللهیان می‌گوید: چند نفر از مردم مناطق بین فریمان و تربت جام آمدند و گفتند: در اطراف ما یک فتنه فکری و فرهنگی پیدا شده که دارد، تمام منطقه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یک سیدی از سبزوار آمده است و مرام اخبارگری را ترویج می‌کند و مردم را از تقلید مراجع باز می‌دارد و عده‌ای هم دور او جمع شده‌اند و اختلافات در روستا پیدا شده است. من موضوع را با استاد شهید هاشمی‌نژاد در میان گذاشتم. با اینکه از سوی ساواک ممنوع‌المنبر بود، به هر حال پذیرفت که با آن سید به مناظره بپردازد. رفتیم و دیدیم یک روستای پرجمعیت، کاملاً ملتهب و درگیر با این موضوع است. شهید هاشمی‌نژاد آمدند و فرمودند: همگان بیایند و این سید را بیاورید و ما با هم بحث کنیم. دلمان می‌خواهد پیش مردم باشد که در شک هستند. محل مناظره در مسجد تعیین شد. سید آمد و جمعیت هم مسجد را پر کرد. حدود یک ساعت و نیم این بحث طول کشید. آن‌چنان بحث مرام شیعه‌گری و منطقی بودن تقلید را توضیح داد که برای همه جا افتاد و طوری مردم روشن شدند که دیگر سید نمی‌توانست، صحبت کند و اگر استاد امر به آرامش نمی‌کرد، سید با خطرات جدی مواجه می‌شد؛ چون سستی منطق او برملا شد. بساط خود را جمع کرد و رفت. آنچه که عجیب بود، تسلط عجیب ایشان بر مرام اخباری‌گری بود که موفق شد، ریشه فتنه را در منطقه بخشکاند.

• سلوک و اخلاقیات

شهید هاشمی‌نژاد با اینکه در بیرون حوزه معروف بود که یک فرد مبارز و مجاهد و اهل درگیری با دستگاه طاغوت و ممنوع‌المنبر بود؛ اما آن بزرگوار تربیت‌یافته عارف وارسته شیخ علی فریدة‌الاسلام کاشانی بود. در اوج مبارزه همواره سیاست را با معنویت همراه می‌کرد و مردم و طلبه‌ها را دعوت به معنویت و ارتباط با خداوند می‌کرد. تقید خاصی به نماز جماعت در اول وقت داشت. توسل به ائمه اطهار علیهم‌السلام و نماز شب و زیارت امام رضا علیه‌السلام ترک نشد. در سخنرانی‌های درس اخلاق، طلاب را دعوت به معنویت همراه با مجاهدت می‌کرد. در اعزام مبلغ به اطراف و اکناف خراسان بزرگ بسیار موفق عمل می‌کرد و همه خراسان را از لحاظ فرهنگی و تبلیغی تحت پوشش خود قرار داده بود.

• سخنرانی علیه منافقین

شهید هاشمی‌نژاد در جلسات مختلف با سخنرانی‌های پرحرارت و مستدل خود توانست، منافقین خراسان خصوصاً سرکردگان و تحصیل‌کردگان آنان را از لحاظ علمی خلع سلاح کند. ایشان در مورد بحث ولایت فقیه و نسبت به بنی‌صدر حساس بود. شهید هاشمی‌نژاد در جلسات علنی و سری شرکت داشت و در جلسات سری با بنی‌صدر به بحث و مخالفت برمی‌خاست. منافقین، آن شهید بزرگوار را سد راه خود می‌دانستند و سرانجام توسط کوردلان منافق به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

• شهادت

سرانجام این روحانی مبارز و بصیر و مؤمن و قاطع در روز شهادت حضرت جوادالائمه علیه‌السلام ۷ مهر ۱۳۶۰ شمسی در اثر حمله انتحاری یکی از منافقین کوردل در محل حزب جمهوری اسلامی مشهد مقدس به شهادت رسید و پیکر پاکش در حرم مطهر امام رضا علیه‌السلام به خاک سپرده شد.

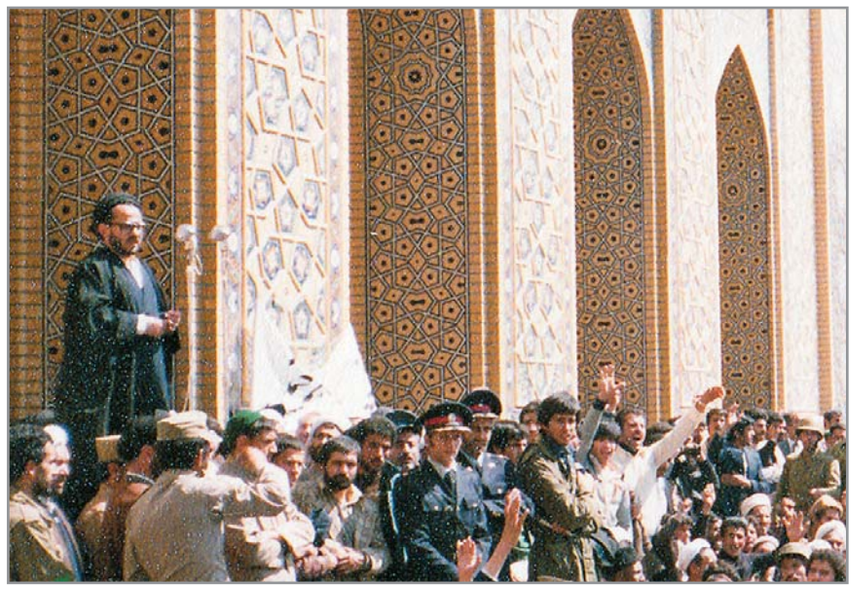

• منابع

زندگانی سیاسی شهید هاشمی‌نژاد، حسن جلالی
یاران شاهد، ماهنامه فرهنگی تاریخی، شماره ۳۵

تهیه و تنظیم: حجت‌الاسلام محمد تقی ادهم‌نژاد